



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ مهر ۱۴۰۴

مصادف با: ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۴۷

جلسه: ۸

موضوع کلی: مالکیت معنوی

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه ششم: پیشینه مالکیت معنوی - دو شاخه اصلی مالکیت معنوی -

۱. پیشینه مالکیت ادبی و هنری

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

دو شاخه اصلی مالکیت معنوی

مقدمه ششم درباره پیشینه و تاریخچه مالکیت معنوی است؛ لکن ابتداءً اشاره‌ای مختصر به سیر تطور مالکیت و تاریخچه آن داشتیم. در مورد مالکیت معنوی یا فکری، باید عرض کنیم مالکیت معنوی دو شاخه اصلی دارد که هر یک از اینها پیشینه اختصاصی خودش را دارد. یکی مالکیت ادبی و هنری، و دیگری هم مالکیت صنعتی؛ این دو، شاخه‌های اصلی مالکیت معنوی هستند.

۱. پیشینه مالکیت ادبی و هنری

سابقه مالکیت ادبی و هنری بسیار پیش از مالکیت صنعتی است؛ منظور از مالکیت ادبی و هنری، همان حق مؤلف یا کپی‌رایت برای مؤلفان و دیگر آفرینندگان آثار ادبی و هنری است. براساس این حق یا مالکیت، صاحبان آثار ادبی و هنری دارای حقوق خاصی می‌شوند که می‌توانند در مدت زمان معینی اجازه بهره‌برداری از آثار خود را به دیگران بدهند یا دیگران را از آن منع کنند. امروز مالکیت آثار ادبی و هنری قلمرو وسیعی پیدا کرده و حقوقی برای طیف‌های مختلف چنین آفرینندگانی در نظر گرفته شده که اصطلاحاً به آنها حقوق جانبی می‌گویند. بر اساس این حقوق، قوانین و مقرراتی که به مرور زمان و طی سال‌ها متکامل شده، به نوعی از آثار ادبی و هنری که ثمره آفرینش‌های فکری است، حمایت می‌شود. امروزه بسیاری از گروه‌ها که در زمینه فرهنگ، سرگرمی‌ها و رسانه‌های گروهی فعالیت می‌کنند، مشمول چنین حمایت‌هایی هستند. در این بخش آنچه محور و اصل است، حق مؤلف یا کپی‌رایت است؛ اما در کنار آن، گروه‌های بسیاری از حمایت این حقوق که در قالب قوانین و مقررات خودش را نشان داده، برخوردار شده‌اند. آثار ادبی و هنری، شامل کتاب، رساله، جزوه، نمایش‌نامه، آثار سمعی و بصری، موسیقی و نقاشی، عکاسی و بسیاری از فنون و هنرهای دیگر هم می‌شود. برخی از گروه‌هایی که مشمول حمایت‌های قوانین مرتبط با مالکیت معنوی شده‌اند، عبارتند از: بازیگران، هنرپیشگان، نوازندگان، خوانندگان، تهیه‌کنندگان آثار صوتی، سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی؛ اینها همه به نوعی تحت پوشش قوانین مرتبط با مالکیت‌های ادبی و هنری واقع شده‌اند. ما فعلاً وارد این قوانین و چگونگی حمایت‌های قانونی از این گروه‌ها نمی‌شویم، بلکه می‌خواهیم سابقه و پیشینه این حقوق را بیان کنیم.

همانطور که عرض شد، مالکیت ادبی و هنری سابقه بسیار بیشتری از مالکیت صنعتی دارد؛ چون تألیف و خلق آثار هنری سابقه بسیار طولانی دارد. بسیاری از تألیفات، نوشته‌ها، کتاب‌ها و رساله‌های مربوط به آن دوران شاید برخی هنوز باقی مانده باشد؛ آثار بجا مانده از یونان و روم باستان گواه بر این است که تألیف و خلق آثار هنری، از همان زمان در جامعه بشری

رواج داشته است. بدیهی است موضوعی که از دیرباز در متن زندگی بشر حضور داشته، موجب یک سری الزامات و فراهم‌کننده برخی اقتضائات می‌شود. از همان زمان، سرقت ادبی یا سرقت هنری شروع شده بود؛ یعنی یک کتاب یا تألیفی مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت و برخی آنها را به نام خودشان قالب می‌کردند. لذا چون خود این موضوع از صدها سال قبل از میلاد وجود داشته، تجاوزها و تعدی‌ها به این حقوق هم سابقه طولانی دارد. طبیعی است که عقلاً در مواجهه با چنین اتفاقاتی، مقرراتی وضع کنند. مقرراتی که آن موقع وضع کردند، بسیط بود؛ ولی آن چیزی که براساس گزارشات تاریخی قابل استناد است، این است که در همان یونان و روم باستان، سرقت ادبی به عنوان یک عمل زشت، تقبیح می‌شد و این کار قبیح شمرده می‌شد. لذا در همان زمان، هم برای سرقت‌کنندگان این آثار مجازات‌هایی را در نظر می‌گرفتند و هم صاحبان این آثار را مورد تکریم قرار می‌دادند؛ حالا آن موقع شاید مابه‌ازاء مادی برای تألیفات چندان مرسوم نبود، ولی ممکن بود پادشاه یا سلطانی به کسی که چنین آثاری را خلق می‌کرد، هدایایی عطا می‌نمود. لذا قانون و مقرراتی که به طور مشخص تدوین شده باشد برای دفاع و حمایت از این حقوق، وجود نداشت؛ هرچند می‌توانیم بگوییم اصل این حق به رسمیت شناخته شده بود و جامعه آن را پذیرفته بود. گاهی هم بهره‌های مادی و معنوی شامل صاحبان این آثار می‌شد.

تا زمان قرون وسطی، همین نگاه و بینش فی‌الجمله حاکم بود، هرچند هنوز چندان بهره‌های مادی برای این گروه در نظر گرفته نمی‌شد. نکته‌ای که در قرون وسطی بیشتر برجسته شد و ما در گذشته هم اشاره کردیم، این بود که اهل کلیسا به طور کلی هرگونه آفرینش فکری را به عنوان مظهري از الهام الهی و لطف خداوند به صاحبان آثار تلقی می‌کردند؛ لذا می‌گفتند اینها بهره یا حق خاصی به خاطر خلق این آثار ندارند؛ هرچند نسبت به حق معنوی و بهره معنوی آنها هم آنچنان که باید و شاید رعایت نمی‌شد. بالاخره علم و دانش و دانشمندان و عالمان، در قرون وسطی جایگاه شایسته و بایسته‌ای نداشتند. اما در اواخر قرون وسطی، این جایگاه ارتقاء پیدا کرد و عالمان و دانشمندان و صاحبان آثار علمی و تصانیف ادبی و دانشی، مورد توجه اجتماع قرار گرفتند و محترم‌تر شمرده شدند. بدین ترتیب کم‌کم زمینه گسترش علم و دانش و تکریم دانشمندان فراهم شد؛ سواد مردم بالا رفت و زمانی که صنعت چاپ اختراع شد، یعنی تقریباً در قرن پانزدهم آن حقوقی که از یونان و روم باستان به صورت کم‌رنگ مورد توجه بود، پررنگ‌تر شد. البته شاید در این سال‌ها و قرن‌ها آنچه بیشتر تکامل پیدا کرده بود، همان بهره‌های معنوی بود؛ بهره معنوی هم به معنای تکریم و احترام و پیدا شدن یک شخصیت محترم اجتماعی بود.

اگر بخواهیم تاریخی برای صدور قوانین و مقررات مربوط به آثار ادبی و هنری ذکر کنیم، می‌توانیم بگوییم از قرن پانزدهم که با ورود ماشین‌های چاپ تحولی در عرصه علم و دانش و خلق آثار ادبی و هنری پدید آمد، مقررات و قوانین و حمایت‌های بیشتری نسبت به آفریننده‌های آثار فکری تدوین شد. قوانین سلطنتی و فرامین سلطنتی متعددی مخصوصاً در حوزه نشر و چاپ پدید آمد و کسانی که در این صنعت کار می‌کردند، ناشران و کتابفروشان و مؤلفان که زمینه چاپ و نشر آثار آنها فراهم شده بود، قهراً در پرتو آن فرامین دارای حقوق بیشتری شدند. مالکیت فکری و معنوی در فاصله قرن پانزدهم تا قرن هجدهم، سروسامان پیدا کرد و هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، ارتقاء یافت.

قوانین معمولاً زاینده ضرورت‌ها و نیازها است؛ وقتی در جامعه بشری مشکلاتی پیش می‌آید، راه‌حل آن را در تصویب و جعل قانون می‌بینند. وقتی صنعت چاپ گسترده شد، قهراً مشکلات و مسائل آن هم بیشتر شد؛ لذا ناچار شدند این قوانین و مقررات

را تنظیم کنند. شاید اولین قانون کپی رایت در شکل جدید، قانونی بود که در آغاز قرن هجدهم در سال ۱۷۱۰ میلادی در انگلستان به تصویب رسید. براساس قانون مذکور، مؤلفان و تا حدودی ناشران، از حق کپی رایت بهره‌مند شدند؛ البته این قانون در آن زمان منحصر در مؤلفان بود، ولی بعدها گروه‌های دیگر هم به آن ضمیمه شدند. شاید کشور بعدی که این قانون در آن دچار تغییر شد، فرانسه بود. انقلاب فرانسه باعث شد که بسیاری از امتیازات ناشرین حذف شود، ولی در عین حال در اواخر قرن هجدهم، قانونی را تصویب کردند که پایه و اساس حق کپی رایت شد. این قانون در کشورهای اروپایی توسعه یافت و سپس به آمریکا راه پیدا کرد.

از زمانی که این حرکت شروع شد تا زمانی که به یک قانون بین‌المللی تبدیل شد، زمان نسبتاً طولانی طی شد؛ از آغاز قرن هجدهم تا اوایل قرن نوزدهم، هنوز جنبه بین‌المللی پیدا نکرده بود؛ از اواسط قرن نوزدهم، کم‌کم حمایت از حق مؤلف و کپی رایت به صورت معاهدات دو جانبه بین کشورها، و پس از آن به عنوان یک نهاد بین‌المللی یا معاهده بین‌المللی فراگیرتر، کم‌کم توسعه پیدا کرد. یعنی تقریباً اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم، حدود سال ۱۸۷۸، یک نهادی برای حمایت از آفرینش‌های فکری در سطح بین‌المللی شکل گرفت؛ اجلاس‌ها و کنوانسیون و کنفرانس‌هایی در کشورهای مختلف از جمله در سوئیس، اتریش و بعضی از کشورهای دیگر تشکیل شد؛ معاهدات و قوانین به تصویب کشورهای مختلف رسید و نهایتاً تبدیل به یک سازمان بین‌المللی شد و فراگیرتر از آنچه که تا آن موقع اتفاق افتاده بود، به این عرصه وارد شد. یعنی آن تلاش‌ها منجر به تشکیل سازمان جهانی مالکیت معنوی یا فکری شد. اینکه این سازمان تشکیل شد و بعدها به عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد پذیرفته‌اند، این یک گام بزرگی بود؛ شاید چیزی حدود صد سال طول کشید تا آن کنوانسیونی که در پاریس به منظور حمایت از مالکیت‌های معنوی اعم از صنعتی، تجاری، کشاورزی و بعد هم مالکیت‌های ادبی و هنری شکل گرفت. تبدیل به یک سازمان شود. این دو کنوانسیون مقدماتی در فرانسه و سوئیس، منجر به این شد که در اواخر قرن نوزدهم، یک دفتر بین‌المللی به عنوان دفتر بین‌المللی متحد برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی تأسیس شود. سال ۱۹۶۷، این سازمان تشکیل شد. بنابراین از ۱۸۸۳ تا ۱۹۶۷ تقریباً ۸۴ سال گذشت و نهایتاً این اتفاق افتاد که سازمان جهانی مالکیت معنوی رسمیت پیدا کرد و به عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل، عملاً کار خودش را شروع کرد و پذیرفته شد. اهداف و وظایف و مأموریت‌های این سازمان قابل دسترسی است و می‌توانید مراجعه کنید و آنها را مطالعه کنید؛ ما وارد این مباحث نمی‌شویم. اما قوانین و مقرراتی که در این سازمان به عنوان یک سازمان تخصصی بین‌المللی پذیرفته شده، قابل توجه است. من مصادیق مالکیت معنوی و فکری را قبلاً از دید این سازمان نقل کردم؛ آثار ادبی، هنری و علمی؛ نمایش‌های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط شده و برنامه‌های رادیویی؛ اختراعات در کلیه زمینه‌های فعالیت انسان، کشفیات علمی؛ طراحی‌های صنعتی؛ علائم تجاری و خدماتی، نام‌های تجاری و عناوین؛ حمایت در برابر رقابت نامطلوب (این اختراع نیست ولی اگر یک آفرینشی مبتلا به رقابت نامطلوب شود، قوانین و مقرراتی برای حمایت از آن وجود دارد) سایر حقوقی که ناشی از فعالیت معنوی در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری می‌باشد. یک سازمانی که قلمرو فعالیت و قوانین او این چنین گسترده است، طبیعتاً نشان دهنده آن است که موضوع مالکیت آثار ادبی و هنری، امروز به عنوان یک پدیده فراگیر در سراسر جهان حضور دارد.

ما باید در مواجهه با چنین پدیده‌ای موضع فقه و شریعت را تبیین کنیم. این همه مقررات وضع شده است؛ حالا تطبیق بین این مقررات و مبانی و احکام شرعی خودش یک مسئله مهمی است؛ یعنی موضوع مالکیت آثار ادبی و هنری متضمن مسائل بسیاری است که پرداختن به آنها محتاج زمان است. ما فروع فقهی فراوانی را در عرصه مالکیت‌های اثری و اثر مالکیت آثار ادبی و هنری داریم؛ عرض کردم که هزار و چندصد مسئله در این محدوده می‌گنجد. واقعاً رساله‌های عملیه ما اگر بخواهد به معنای واقعی کلمه رساله عملیه باشد، باید همه این مسائل را پاسخ بدهد؛ آن هم به تفکیک و به صورت تخصصی. الان استفتائاتی که صورت می‌گیرد و پاسخ‌هایی که داده می‌شود، چاپ می‌شود؛ مجلدات استفتائاتی که توسط بعضی از مراجع معظم چاپ شده، بسیار بیشتر از خود رساله‌های عملیه است. این پدیده با آن پیشینه بسیار طولانی که امروز گسترش چشمگیری پیدا کرده، آن دسته از فقهایی که این حق را اساساً به رسمیت نمی‌شناختند مثل امام، اگر امروز بودند حتماً در آن مسئله تجدید نظر می‌کردند.

این یک اجمالی درباره پیشینه مالکیت آثار ادبی و هنری بود. نظیر همین (البته نه به این سابقه طولانی) درباره مالکیت صنعتی وجود دارد. ما وقتی می‌گوییم مالکیت صنعتی، منظور فقط طرح‌های صنعتی نیست بلکه خود این یک دامنه گسترده‌ای دارد. مالکیت صنعتی امروز شامل بسیاری از مسائل مربوط به کشاورزی، دامداری، فعالیت‌های مرتبط با دام، گل، مواد معدنی، آب‌های معدنی، همه اینها را دربرمی‌گیرد.

بحث جلسه آینده

ان شاء الله در جلسه آینده پیشینه اجمالی مالکیت صنعتی را بیان خواهیم کرد. تا مقدمه ششم تمام شود. یک اشاره اجمالی هم به سابقه و پیشینه این امر در ایران و در قوانین ایران خواهیم داشت که اولاً سابقه این امر در ایران چقدر است و چه مراحل را طی کرده است.

«والحمد لله رب العالمین»